

# جمعی که قصدش خلوت کردن است

(گفت و گو با مسئولان کارگروه شعر انجمن نویسندگان کودک و نوجوان)

بزرگسال می‌پرداخت. تصور ما این بود که انجمن نویسندگان کودک و نوجوان باید جلسه‌ای با محور شعر کودک و نوجوان داشته باشد که در آن به شکل تخصصی به شعرهایی که برای این دو گروه سنی سروده می‌شود، پرداخته شود.

● انگیزه‌تان از به عهده‌گرفتن مسئولیت جلسه کارگروه شعر چه بود و در این جلسه‌ها چه هدفی را دنبال می‌کنید؟

رجب‌زاده: من فکر می‌کنم ما نیاز به حرکت جدیدی در شعر کودک و نوجوان داریم و این اتفاق زمانی می‌افتد که تجربه‌های جدای افراد، امکان روبه‌رو شدن و تعامل بیابد. اگر جلسه‌های کارگروه شعر انجمن، محلی بشود برای اینکه سلاقی، علایق و نظرهای گوناگون با هم روبه‌رو بشوند و کارهای خلاق این حوزه در معرض نقد و بررسی قرار گیرند، به‌نظم فضا برای این تحرک تازه فراهم خواهد شد. چون به نظر من بخش مهمی از فضای زنده ادبی-هنری در گروه وجود فضای تعامل، تضارب آراء، آثار و اندیشه‌های متفاوت است. به‌نظم تلاش برای فراهم کردن چنین فضایی به خودی خود و فارغ از نتیجه‌اش ارزشمند و راضی‌کننده است.

● وقتی از تغییر در شعر کودک و نوجوان یاد می‌شود، طبیعتاً محل این تغییر آثار این حوزه خواهد بود. شاعران کودک و نوجوان را چه قدر مستعد تغییر و حرکت‌های تازه می‌بینید؟

رجب‌زاده: من به طور کلی از دست‌اندرکاران فعلی شعر کودک و نوجوان قطع امید نکرده‌ام و احساس می‌کنم هنوز می‌شود از آنها انتظار تحولی را در اثرشان داشت. بعضی‌ها هم هنوز به این عرصه پا نگذاشته‌اند؛ یا گذاشته‌اند و ما آنها را نمی‌شناسیم. اگر بتوانیم آنها را پیدا کنیم، شاید آن اتفاقی که باید، بیفتد.

مehروش طهری: اما از خیلی از چهره‌های شناخته‌شده شعر کودک و نوجوان هیچ معجزی بر نمی‌آید؛ لااقل در حدی که عقل اجازه می‌دهد! و آن تجربه‌هایی هم که کرده‌اند برای رسیدن به دستاوردهای تازه، آن قدر بی‌حاصل بوده که آدم را به این نتیجه می‌رساند که اگر انقلابی روحی و فکری در آنها روی ندهد، امید هیچ نتیجه تازه‌ای از آنها نمی‌رود.

● جلسه‌های تخصصی دیگری را که در زمینه شعر کودک و نوجوان برگزار شده و می‌شود، چه قدر موفق می‌دانید؟

طهری: تا جایی که اطلاع دارم، جایی هست به نام «خانه شعر کودک» که عده‌ای شاعر کودک و نوجوان در آن دور هم جمع می‌شوند و

شهرام رجب‌زاده و مهروش طهری مثل یک سیب‌اند که از وسط دو نصف شده‌اند. هر دو در بیشتر مواقع یک نظر دارند و حتی جمله‌هایشان موقع صحبت کردن شبیه هم می‌شود. یکی شروع می‌کند به صحبت و دیگری از نیمه، بحث را می‌رباید و ادامه‌اش می‌دهد. به قول خودشان «ما همیشه با هم بلند بلند فکر می‌کنیم!» برای همین است که من موقع تنظیم این گفت‌وگو این قدر برای پیدا کردن گوینده جوابها به دردسر می‌افتم و با اینکه هرکدام را چندبار کنترل کرده‌ام، باز شک می‌افتد به جانم که نکند این جمله را آن یکی گفته باشد!

چند ماهی است که جلسه کارگروه شعر انجمن نویسندگان کودک و نوجوان یک‌چهارشنبه در میان، با مسئولیت این دو شاعر نوجوانانه‌سرا برگزار می‌شود. جلسه‌ای که قصد دارد شاعران کودک و نوجوان را دور هم جمع کند و تکانی به فضای رختناک این عرصه بدهد.

گفت‌وگوی سه‌نفره ما ساعت ده و بیست دقیقه شروع شد و ده دقیقه بعد به پایان رسید. شروع ماجرا، در یک صبح سفید برفی اتفاق افتاد و انجامش در یک شب سیاه. نه اینکه یک‌بند نشسته باشیم به حرف زدن. مجبور شدیم وسط گفت‌وگو از هم جدا شویم و به قول و قرارهای تعیین شده برسیم تا شب که دوباره برگردیم و بحث را از سر بگیریم. این بهترین شاهد است برای اینکه جمع کردن عده‌ای شاعر کودک و نوجوان کنار هم، در شرایطی که هرکس هزار و یک مشغله دارد، کاری است حقیقتاً شاق!

عباس تربین

● از کارگروه شعر انجمن نویسندگان کودک و نوجوان و جلسه‌های شعر بگویند؛ از اول اولش!

شهرام رجب‌زاده: راستش همه چیز خیلی تصادفی بود. من و مهروش طهری بعد از گذشت یازده سال از عمر انجمن نویسندگان کودک و نوجوان، تصمیم گرفتیم به آن بیونیدیم. در دوره جدید انجمن و با حضور دوستانی مثل آقای شهرام اقبال‌زاده در هیئت مدیره، زمینه برگزاری برنامه‌های جدی‌تر فراهم شد و به ما پیشنهاد شد که مسئولیت کارگروه شعر انجمن را برعهده بگیریم. البته در دوره‌های قبل انجمن هم جلسه‌هایی با مسئولیت دوستان دیگر برگزار می‌شد و در همین دوره نیز دو جلسه تشکیل شده بود که البته بیشتر به شعر

طرزهایی را برای سرودن شعر در موضوعات خاص مطرح می‌کنند. بعد هم شعرهایشان را در مجموعه‌ای جمع می‌کنند و به شکل کتاب منتشر می‌کنند که تا امروز چند جلد از آنها منتشر شده است. اگر نتیجه این جلسه‌ها تنها مجموعه‌هایی باشد که تا امروز منتشر شده، باید بگویم که تجربه خانه شعر کودک ناموفق بوده است. شاید برای خود آن شاعران، این حرکتها مؤثر و چشمگیر بوده باشد، ولی در فضای شعر کودک و نوجوان امروز اتفاق تازه‌ای محسوب نمی‌شود.

### ● و قرار است این جلسه با جلسه‌های مشابه پیش از خود چه تفاوتی داشته باشد؟

**طهوری:** همان‌طور که شما اشاره کردید، پیش از این جلسه‌های دیگری در زمینه شعر کودک و نوجوان وجود داشته است. خود من سالها پیش جزو هسته‌های اولیه جلسات شعر مجله سروش نوجوان بودم که البته به نتیجه نرسید و خیلی زود تعطیل شد. علاوه بر آن در جمع مؤسسان دفتر شعر جوان نیز حضور داشتم و طی سالهای ۱۳۶۸ تا ۱۳۷۲ مسئولیت جلسه‌های نقد حضوری را برعهده داشتم. حتی در آن جلسه‌ها هم جایی برای شعرهای کودک و نوجوان داشتیم و به نقد این شعرها می‌پرداختیم. اما تفاوت جلسه فعلی با جلسه‌های عام دیگر مثل آنچه در دفتر شعر جوان برگزار می‌شد، پرداختن به شکل تخصصی به شعر کودک و نوجوان است. البته شخصاً اعتقاد دارم شعر کودک و نوجوان، با شعر به مفهوم بزرگسال و عام، پیوستگی دارد و این پیوستگی باید حفظ شود. اما تجربه ثابت کرده که هر جا جلسه‌های همزمان قصد پرداختن به شعر به مفهوم عام و شعر کودک و نوجوان را داشته، بعد از مدتی شعر کودک و نوجوان از دور کنار رفته است. از طرف دیگر فرق این جلسه با جلسه‌های تخصصی شعر کودک و نوجوان مثل جلسه‌های مجله کیهان بچه‌ها این است که در این جلسه قصد نداریم تنها شاعرانی از طیف و با نظر خاص را دور هم جمع کنیم؛ بلکه سعی کرده‌ایم فضایی فراهم کنیم که هرکس با هر دیدگاهی در آن حضور داشته باشد و بتواند نظرش را ابراز کند. سعی مان این بوده که فقط افرادی را دعوت نکنیم که از نظر دیدگاه شبیه ما باشند، چون فکر می‌کنیم چنین کاری به یکسان شدن شعرها می‌انجامد و منجر به رویداد تازه‌ای در شعر کودک و نوجوان نخواهد شد.

● در جلسه‌های شعر انجمن، تنها شاعران کودک و نوجوان حضور ندارند. در بعضی از جلسه‌ها شاهد چهره‌هایی از عرصه‌های دیگر هنری بوده‌ایم. هدفتان از دعوت از چهره‌های غیرشعری به جلسه چیست؟

**رجب‌زاده:** همان‌طور که شما اشاره کردید، دعوت اولیه ما از طیف وسیعی از هنرمندان بود و البته هنوز به آن جایی که مد نظرمان بود، نرسیده‌ایم. ولی امیدواریم در آینده به آنچه در ذهنمان بوده، نزدیک شویم. درست است که محور کارگروه شعر، چیزی به نام شعر کودک و نوجوان است، ولی تجربه ثابت کرده که همیشه کارهای میان‌رشته‌ای نتایج بهتری داشته است. به همین دلیل سعی کرده‌ایم از همه‌نوع هنرمند از شاعر و نویسنده و مترجم گرفته تا افراد اهل موسیقی و سینما و هنرهای تجسمی برای شرکت در جلسه دعوت کنیم. چون فکر می‌کنیم حاصل این دور هم جمع شدن، هم برای شاعران کودک و

نوجوان و هم برای کسانی که در عرصه‌های دیگر هنری فعالیت می‌کنند، می‌تواند مبارک باشد. من فکر می‌کنم همه هنرها در عین تنوع، اثر اکاتی دارند که آنها را به هم مرتبط می‌کند. تعامل شاعران کودک و نوجوان و افراد مختلفی که در شاخه‌های دیگر هنر فعالیت می‌کنند، به تنوع و وسعت شعر کودک و نوجوان منجر خواهد شد. شاعری که فقط شعر می‌خواند و خودش را از سینما، هنرهای تجسمی، موسیقی، نقاشی، تئاتر و... محروم می‌کند، و به همان ترتیب نقاشی که مثلاً اطلاعی از شعر ندارد، از تواناییهای رشته‌های دیگر بی‌اطلاع و محروم خواهد ماند.

**طهوری:** اما در نهایت هدف اصلی مان این بوده که شاعران کودک و نوجوان به اندوخته‌هایشان اضافه کنند.

● یادم است که در اولین جلسه انجمن، شاعران و منتقدان زیادی حضور داشتند. اما از جلسه‌های بعدی استقبال کمتری به عمل آمد و تعداد شرکت‌کنندگان به پانزده یا حتی ده نفر کاهش یافت. دلیل این افت را چه می‌دانید و با این اوضاع باز هم به پاگرفتن و تأثیرگذاری این جلسه‌ها امیدوارید؟

**طهوری:** [ با خنده ] شهرام که هنوز ناامید نشده است و من هم به امید او امیدوارم! یک دلیل کمترشدن استقبال از جلسه‌ها را حتماً خودتان می‌دانید و آن این است که ما ایرانی‌ها روحیه کار جمعی نداریم. بخش دیگری از مشکل به این برمی‌گردد که ما ایرانی‌ها به همه‌چیز نگاه توریستی داریم و با اینکه صنعت توریسم در ایران چندان رونقی ندارد، نگاهمان به مقوله‌های غیرتوریستی به‌شدت توریستی است. معمولاً شروع همه جلسه‌ها خوب است و همه استقبال می‌کنند. ولی وقتی همه‌چیز شکل جدی‌تری به خود می‌گیرد، عملاً خیلی‌ها مشارکت نمی‌کنند و میدان را خالی می‌کنند. ما ایرانی‌ها خیلی وقتها منافع شخصی و حتی لذتهای شخصی مان را به منافع جمعی ترجیح می‌دهیم.

● و اینکه شهرام رجب‌زاده هنوز ناامید نیست، دلش چیست؟  
**رجب‌زاده:** اینکه چرا ناامید نیستیم، دلش این است که سعی می‌کنم نگاهم به مسائل منطقی باشد. مگر ما چه قدر مخاطب واقعی در شعر کودک و نوجوان داریم؟ یا مگر تیراژ کتابهایمان چقدر است؟ یا حتی بین همان مخاطبهای معدود، مگر تعداد کسانی که به شکل جدی‌تر و فراتر از یک خواننده عادی با کتاب برخورد می‌کنند، چه قدر است؟ با این همه مشغله و موانع روزمره که می‌تواند مانع از حضور شاعران کودک و نوجوان در جلسه‌هایی مثل این شود، واقعاً چه قدر می‌توان متوقع بود؟ در جامعه‌ای که تیراژ کتابش در بهترین حالت هزار و پانصد نسخه است و باز در بهترین حالت یک سال طول می‌کشد تا این تعداد کتاب فروش برود، به‌نظرم جمع‌کردن پانزده نفر دور هم خودش کار بزرگی است.

**طهوری:** البته آمار شرکت‌کنندگان بیشتر شبیه یک منحنی است که گاهی در آن به نقطه مطلوب نزدیک می‌شویم. مثلاً در شب شعر ویژه بیوک ملکی، تعداد شرکت‌کنندگان زیاد شده بود و فکر می‌کنم با برگزاری جلسه با موضوعهای ویژه تعداد شرکت‌کنندگان بیشتر هم بشود. اما در نهایت فکر می‌کنم کیفیت مهمتر از کمیت است.



هرچیز باید ثابت شود که این جلسه، یک اجتماع دیکتاتورمآبانه نیست. وقتی این امر ثابت شد، آن وقت اگر من به عنوان اداره‌کننده جلسه، مانع صحبت کسی شوم، این احساس به وجود نمی‌آید که می‌خواهم خودم را به رخ بکشم. در نهایت فکر می‌کنم فعلاً باید هزینه بدهیم تا فضای دموکراتیکی به وجود بیاوریم و چاره‌ای نداریم جز اینکه تبعات غیرتخصصی‌اش را بپذیریم.

● **شهرام رجب‌زاده** را به عنوان یکی از منتقدان شعر کودک و نوجوان می‌شناسند و تا امروز هم نقدهای زیادی از او در مجموعه‌شعرهای کودک و نوجوان منتشر شده. شما آقای رجب‌زاده، فضای شعر کودک و نوجوان امروز را چه‌طور توصیف می‌کنید؟

**رجب‌زاده:** دقیق‌ترین کلمه در توصیف فضای شعر کودک و نوجوان و شاعران این حوزه «رکود» است. در دوره‌ای به سر می‌بریم که رویداد خاصی در شعر کودک و نوجوان نمی‌افتد یا اگر هم می‌افتد، بسیار محدود است. خیلی از شاعران شناخته‌شده کودک و نوجوان تمام توانایی‌هایشان را عرضه کرده‌اند و خوب یا بد، انتظار حرکت تازه‌ای از آنها نمی‌رود. ولی از آنجا که تمام حوزه‌های هنر یک ویژگی مشترک دارند و آن پیش‌بینی‌ناپذیری است، امیدوارم در آثار آنها هم شاهد تحول تازه‌ای باشیم. البته گروهی هم هستند که پرنفوس‌تر و آماده‌تر به صحنه آمده‌اند و سعی دارند تجربه‌های تازه کنند. این گروه به سواد نظری و چیزهایی بیشتر از ذوق احتیاج دارند و انحصار آفرینش آثار هنری‌شان در ذوق شعری، موجب می‌شود این چشمه، هر چه قدر هم که جوشان، خشک شود. ولی با مطالعه و دانش نظری می‌توان این چشمه را گسترده کرد و احتمال اینکه مدت بیشتری بتوان از آن آب برداشت، بالا خواهد رفت.

**طهوری:** فکر می‌کنم لازم به توضیح باشد که منظور شهرام از سواد نظری صرفاً خواندن کتابهایی درباره نظریه‌ها و نقد ادبی نیست. منظور چیزی است که از مطالعه و تجربه زیاد در حوزه‌های مختلف فرهنگی حاصل می‌شود. شاعری می‌تواند دیدگاه داشته باشد که هنرهای دیگر را خوب بشناسد و از حوزه‌های فکری بی‌اطلاع نباشد. ما در حوزه ادبیات کودک و نوجوان به یک سواد غیرفضل‌فروشانه نیاز داریم. آنچه امروز به عنوان سواد می‌بینید، فضل‌فروشی‌هایی است که نمی‌تواند ارتباط ارگانیک و زنده با روح ادبیات کودک و نوجوان و به طور کلی هنر داشته باشد.

● **اما فکر نمی‌کنید ایجاد حرکت تازه‌ای در شعر کودک و نوجوان، مستلزم حضور ثابت تعداد قابل‌توجهی از شاعران کودک و نوجوان خواهد بود؟**

**رجب‌زاده:** چرا! ولی به نظرم با پایداری کردن می‌توان به آن کمیّت دست پیدا کرد. متأسفانه در شرایط فعلی عوامل زیادی وجود دارد که ما را از هم دور می‌کند؛ بنابراین بهتر است صبوری به خرج دهیم و از حجم مسائلی که باعث می‌شود جمع کوچکمان پراکنده شود، کم کنیم و به عواملی فکر کنیم که موجب می‌شود بیشتر کنار هم بمانیم. یکی از این مسائل نحوه اداره جلسه‌هاست؛ به نحوی که شرکت‌کننده‌ها احساس نکنند بعضی برای صحبت و ابراز نظر فرصت بی‌نهایت دارند و بعضی دیگر حق حرف زدن ندارند. نکته دیگری که بعضی از دوستان نیز به آن اشاره کردند، معقول کردن فاصله جلسه‌هاست. خیلی‌ها می‌گفتند ما به خاطر یک هفته در میان بودن جلسه‌ها، روز جلسه را فراموش می‌کنیم. این شد که تصمیم گرفتیم از سال دیگر جلسه‌ها را به صورت هفتگی برگزار کنیم.

● **به نظرتان چیزی که از آن با عنوان «سعه صدر» نام بردید، موجب نمی‌شود هرکس با هر درصد از اطلاع و تخصص، اجازه اظهار نظر به خود بدهد و در نهایت هم هیچ شاخصی وجود نداشته باشد؟**

**رجب‌زاده:** حق با شماست؛ اما فکر می‌کنم برای این مسئله هم باید سیاست گام به گام داشت. **طهوری:** و طبیعی است که اینها از عوارض جانبی همه جلسه‌هاست.

**رجب‌زاده:** بله، همه‌جا از این دست مسائل هست. مثلاً در جلسه‌های دفتر شعر جوان که از اسمش پیداست ویژه‌گروه سنی جوان است، همیشه چند شرکت‌کننده بالای شصت سال داشتیم که هرکار کردیم، نتوانستیم آنها را راضی به نیامدن کنیم! به نظرم اگر از اول به فکر تشکیل یک جلسه بی‌عیب و نقص باشیم، به جایی نخواهیم رسید. باید به مرور به فضای حرفه‌ای برسیم.

● **در جلسه‌هایی که امسال برگزار شد، بارها شاهد نظرهای متضاد و گاهی غیرتخصصی بودیم که شما به عنوان مسئول جلسه، هیچ پاسخی به آنها ندادید.**

**رجب‌زاده:** بگذارید بار دیگر برگردم به پاسخی که پیش از این دادم. دلایل تفرق ما بیشتر از اشتراکاتمان است. بنابراین پیش از

● به نظر می‌رسد سوادی که از آن صحبت می‌کنید، قابل سنجش نیست و معیاری برای شناختش وجود ندارد. این طور نیست؟

**طهوری:** شاید؛ ولی در نهایت تأثیر خودش را نشان می‌دهد.  
**رجب‌زاده:** حرف شما درست است. همه چیز در اختیار همه است، اما همه به طور یکسان نمی‌توانند از آنها استفاده کنند. نمی‌توان آدمها را با کشیدن و فشردن به ظرفی تبدیل کرد که به طرز خاصی از سرچشمه‌های گوناگون برداشت کنند. نیما می‌گوید: من رودخانه‌ای هستم که هرکس می‌تواند از هر جایش بخواند آب بردارد. و راست هم می‌گفت؛ اما تنها آدمهای محدودی توانستند از این رودخانه بهره بگیرند.

**طهوری:** و در نهایت عصاره حرف ما خیلی ساده این است: برای خلق هنری و منتقدبودن باید باسواد بود. ولی تبدیل شدن به دایرةالمعارف، کسی را هنرمند و منتقد نمی‌کند.

● بعضی از جلسه‌هایی که پیش از این با موضوع شعر کودک و نوجوان تشکیل شدند، درصدد صدور مانیفست‌های ادبی در این حوزه بودند. شما که چنین قصدی ندارید؟

**رجب‌زاده:** حقیقت این است که اگر از اول در پی دادن مانیفست باشیم، حکم مرگ خودمان را امضا کرده‌ایم. مانیفست، آفتی است که خیلی از جریانات را از ابتدا در یک چارچوب بسته محدود می‌کند. به همین دلیل است که می‌بینیم آدمهای بااستعدادی که مانیفست داده‌اند، خودشان بعدتر در آن چارچوب جا نگرفته‌اند. همان طور که گفتیم ما ابداً در پی وحدت نظر و همسویی در نظرها نیستیم. بلکه می‌خواهیم هرکس از فضایی که از تضارب آرا و تفاوت نگاهها به وجود می‌آید، برداشت خود را داشته باشد و نتیجه عملی‌اش را در کار خود ببیند.

● در شعر کودک و نوجوان امروز خلاً چهره‌های تازه را حس نمی‌کنید؟ به نظر می‌رسد نزدیک به یک دهه است که اثری از نامهای تازه در این حوزه نیست. هیچ به تربیت نیروهای تازه در شعر کودک و نوجوان فکر کرده‌اید و آیا در جلسه‌های کارگروه شعر، برنامه‌ای برای کشف و پرورش این نیروها دارید؟

**رجب‌زاده:** با شما مؤاقتم. از ده سال قبل به این طرف، چهره‌های جدیدی در شعر کودک و نوجوان پیدا نشده‌اند. اما راستش را بخواهید به مسئله تربیت چهره‌های تازه فکر نکرده‌ام. به نظر من این نیروها باید جایی نمود پیدا کنند و مایه‌شان را برای کار نشان بدهند، بعد می‌توان از حضور آنها در جمعی که برخورد زنده و فعال با شعر دارند، بهره گرفت. یعنی در وهله اول باید هنرمندی وجود داشته باشد تا بعد بیاید و آموزشهای لازم را فرا بگیرد.

● نظرتان درباره این اعتقاد که شعر کودک و نوجوان را باید خود کودکان و نوجوانان بنویسند چیست؟ آیا چنین تجربه‌ای می‌تواند نتیجه صادقاته‌تری داشته باشد؟

**رجب‌زاده:** ممکن است برخورد صادقاته‌تری با حسهای کودکان و نوجوانان صورت بگیرد، اما تا آنجا که اطلاعات محدود من اجازه می‌دهد، در هیچ‌جای دنیا شعر جدی کودک و نوجوان را شاعران کودک

و نوجوان نمی‌گویند. البته شاعران نوجوانان هم کار خودشان را در حوزه نوشتاری ادامه می‌دهند، ولی این شاعران بزرگسال‌اند که موفق به خلق آثار باکیفیت برای کودکان و نوجوانان می‌شوند.

**طهوری:** در شعر به مفهوم عام آن البته خلافتش را داریم مثل آرتور رمبو که استثناست.

**رجب‌زاده:** اتفاقاً کسی مثل یدالله رویایی می‌گوید هیچ شاعری قبل از سی‌سالگی خودش را پیدا نمی‌کند و آرتور رمبو را یک استثنا می‌داند.

● سرودن شعر، اتفاقی است که به فردیت انسان مربوط می‌شود و در خلوت او روی می‌دهد. اساساً تدارک دیدن یک جمع برای رسیدن به نتایجی درباره این اتفاق فردی در عمل چه قدر می‌تواند مفید باشد؟

**طهوری:** همیشه حلقه‌ها و جمع‌های ادبی تأثیرگذار بوده‌اند. خیلی‌وقتها افراد یک‌تنه و به تنهایی پیش می‌روند، کمیت خلق ادبی‌شان پایین می‌آید و در ضمن کار خاص و ویژه‌ای در آثارشان دیده نمی‌شود.

**رجب‌زاده:** من هم این نکته را اضافه کنم که درست است که آفرینش ادبی در خلوت صورت می‌گیرد، ولی شاعران و نویسندگان چیزهایی را که از جمع گرفته‌اند، به خلوت خود می‌برند. چیزی که به معنی واقعی از خلوت و تنهایی یک خلق‌کننده ادبی برخیزد، قطعاً تأثیرش محدود خواهد بود. درواقع ما تجربه‌های جمعی‌مان را به خلوت‌هایمان منتقل می‌کنیم و هنگام سرودن شعر با تجربه‌های غنی‌شده از جمع، شروع به نوشتن می‌کنیم.

● ممکن است در این جلسه‌ها به چیزهای تازه‌ای دست پیدا کنید، اما همان قدر احتمالش هست که همه اینها حاصلی نداشته باشد. نگران نیستید که این همه وقت و انرژی هدر برود؟

**رجب‌زاده:** در نهایت ما کاری را که فکر می‌کنیم باید انجام بشود، انجام می‌دهیم و بقیه‌اش دیگر در اختیار ما نیست. تنها می‌توانیم امیدوار باشیم که نتیجه‌ای هم داشته باشد. من و مهروش داریم زندگی می‌کنیم و بخشی از زندگی‌مان هم این است. هیچ‌وقت احساس نکرده‌ایم بخشی از زندگی از بخش دیگر باارزش‌تر است و همه زندگی به یک‌اندازه برایمان ارزش دارد.

**طهوری:** البته برای ما انزوا از هر کاری راحت‌تر و خوشایندتر است.

**رجب‌زاده:** ولی حالا هم که پرت شده‌ایم، سعی می‌کنیم از پرت‌شدن لذت ببریم.

**طهوری:** به قول سلیمان پادشاه: «برای هر چیز زمانی لازم است و هر مطلبی را زیر آسمان وقتی است. وقتی برای ولادت و وقتی برای موت. وقتی برای غرس نمودن و وقتی برای کندن مغروس. وقتی برای قتل و وقتی برای شفا. وقتی برای منهدم ساختن و وقتی برای بنانمودن. وقتی برای گریه و وقتی برای خنده... وقتی برای سکوت و وقتی برای گفتن. وقتی برای محبت و وقتی برای نفرت. وقتی برای جنگ و وقتی برای صلح...».